

## در ستایش خرد، خردمندان و اندیشمندان

کنون ای خردمند وصف خرد      بدین جایگه گفتن اندر خورد  
چه گفت آن خردمند مردِ خرد      که دانا ز گفتار از بر خورد  
خرد چشم جانست چون بنگری      تو بی چشم شادان جهان نسپری

بر پایه این راست گفتاری فردوسی بزرگ بجای پیروی از پند سعدی و «گزاردن دوگانه ای به درگاه یگانه» در صبحگاهان، این ستایش نامه را به پیشگاه خرد و خردمندان و اندیشمندان پیشکش می کنم. نیایش به زبان تازی که با چم آن بیگانه ام مانند «السلام علیک یا وارث آدم صفوت الله» را به کنار میگذارم. از نیایش بامدادی (صَبَاحُ الْحَیْرِ) پیامبر که از همان آغاز روز با کیفر آتش سوزان (عَذَابُ النَّارِ) خدای آفریده اندیشه موسی که به نیایش انسان نیازمند است تهدیدشوم پرهیز میکنم. بجای سرهم کردن واژه های تازی و برای فریب خود و مردم که بگویم (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) با سربلندی هرگاه زمان پروانه دهد به نرمی و آهستگی یا با آوای بلند در راستای آموزه های فردوسی خرد و خردمندی را ستایش می کنم.

## ستایش نامه خرد

خرد را ستایش میکنم که در ژرفای هستی رگ و خون انسان جاریست.

زیرا:

به یزدان اگر ما خرد داشتیم      کجا این سرانجام بد داشتیم  
زمن باد بر جان آن کس درود      که داد و خرد باشدش تار و پود  
خرد افسر شهریاران بود      خرد زیور نامداران بود

**فزون از خرد نیست اندر جهان فروزنده کهران و مهان**

ستایش می‌کنم همه انسان‌هایی را که با خرد خود بر بخشی از نادانی‌ها و بی‌دانشی انسان پیروز گشتند.

ستایش می‌کنم همه خردمندان بزرگ و کوچک را، از مخترع چرخ و برق و ماهواره و تلفن و کامپیوتر گرفته تا پدیدآوردگان بزرگترین پیشرفت‌های جهان امروزی

ستایش میکنم پژوهشگران و خردورزانی را، که با کشف یگانه و تاریخی DNA نشان دادند که همه ما ایرانیان، چه پارس و کرد و بلوچ و آذری، شیرازی و مشهدی و اصفهانی و تهرانی، از یک ریشه هستیم، با گویشهای چندگانه و از این رهگذر دکان «قومیت» بسته شد و در پی آن کاسبی خود مختاری و فدرالیسم و جدایی خواهی به کسادی گرایید.

ستایش می‌کنم نیوتن، گالیله و اینشتن را که دانش انسانی از جهان هستی را دگرگون کردند، بویژه ستایش میکنم گالیله را که دانش فیزیک را سکولار کرد و از چنگ دین رهانید و از آن پس خرد انسان پشتیبانی دانش شد و دانش به پشتیبانی خرد برخاست.

ستایش میکنم مهتران<sup>۱</sup> روشنگری را که مانند دکارت خرد آدمی را بجای کتاب مقدس نشانند و با بهره‌گیری از روش «استقرا»، روش تجربی و رسیدن از جزء به کل، در برابر روش «قیاس» یا رسیدن از کل به جزء، و برپایه «شک برای یقین» با شکستن سد منطق ارسطو دنیای بسته نادانی و برده دین بودن را یکسره دگرگون کردند و انسان را به دنیای بی‌مرز دانش رهنمون شدند.

ستایش میکنم روشنگرانی چون آخوندزاده، احمد کسروی، دکتر شجاع‌الدین شفا، دکتر مسعود انصاری، دشتی و ... که زندگی خود را در راه شناساندن دکانداران دین گذراندند و به ما آموختند که دروغ‌نامه‌هایی به نام تورات و انجیل و تازی‌نامه، انسان‌ها را در «جهل مرکب» زندانی کرده‌اند و نشان دادند داستان پرودگاری که در اندیشه موسی آفریده شده و

بزمین می آید با یعقوب کشتی می گیرد و پایه «تثلیث مسیحیت»<sup>۲</sup> و «معراج»<sup>۳</sup>، دروغ های بزرگ تاریخ بشریت هستند. آیین هایی که هرگاه برای پاسخ به پرسش خردمندان در میمانند ، پاسخ را با شمشیر می دهند. زمانی که نوشته های تازینامه چون «تُعَزُّ مِنْ تَشَاءُ وَتُدِلُّ مِنْ تَشَاءُ» همچنین «يُضِلُّ مِنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مِنْ يَشَاءُ» را باخرد باختگان مغز سنگ شده در میان می گذاریم و آن را نا هماهنگ با اصل «عدل» که به آن باور دارند به گفتگو میگذاریم، چون در گل میمانند پاسخ آنها «تکفیر ، شمشیر و یا محارب با خدا یا مفسد فی الارض بودن» پرسش کننده خواهد بود که کیفر آنها مرگ است. به سخن سراینده سبزواری «بیداد» ، از دیار بیهق و از نسل سربدار، در زمان این بیخردان شمشیر و گلوله و تفنگ و اسید بدست، در دادگاه عدالت طناب دار بر صدر مینشیند و قاضی و داور است.

ستایش می کنم خیام را که «اصل عدل شیعیان» و «معاد اسلام» را زیر پرسش برد. میگوید:

باز آمده کیست تا به ما گوید باز  
 گر می نخورم علم خدا جهل بود  
 من میگویم که آب انگور خوش است  
 کاواز دهل شنیدن از دور خوش است  
 و آنجا می ناب و انگبین خواهد بود  
 آخر نه به عاقبت همین خواهد بود

از جمله رفتگان این راه دراز  
 می خوردن من حق از ازل می دانست  
 گویند کسان بهشت با حور خوش است  
 این نقد بگیر و دست از آن نسبه بدار  
 گویند بهشت و حور عین خواهد بود  
 گر ما می و معشوقه گزیدیم چه باک

ستایش می کنم فردوسی بزرگ را که:

پی افکند از نظم کاخی بلند و به من ایرانی آموخت که پس از هزار و اندی سال همه روزه  
 بگویم و فریاد زخم که:

**چو ایران نباشد تن من مباد**

او ایران و ایرانی را با پالایش زبان پارسی زنده و جاوید نگهداشت . بزرگترین و جاودانه ترین شناسه ایران و ایرانی، شاهنامه، را آنچنان پی افکند که هیچگاه از باد و باران نیابد گزند . به من و هر ایرانی و به همه انسانها آموخت که برای رستگاری به خرد رو آوریم.

ستایش می کنم رند فرزانه جهان دیده سعدی را که باور دارد:

غریبی گرت ماست پیش آورد  
دوپیمانه آب است و یک چمچه دوغ  
اگر راست می خواهی از من شنو  
جهان دیده بسیار گوید دروغ

سعدی بزرگترین جامعه شناس راستین زمان خود بود. هنوز شعر بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند در تالار سازمان ملل متحد سربلندی و غرور و افتخار می بخشد

هر یک از پندهای انسان شناسی وی برگ زرینی است در تاریخ ادبیات جهان که می گوید:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت  
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت  
اگر این درنده خویی ز طبیعت بمیرد  
همه عمر زنده باشی به روان آدمیت

ستایش می کنم حافظ بزرگ را که «معاد» را در تاریکترین دوره و خفقان دینی زیر پرشش برد و فرمود:

گر مسلمانی از اینست که حافظ دارد  
وای اگر از پس امروز بود فردایی  
آنگاه که «تکفیر» و آهنگ جانش کردند هوشمندانه آنرا ویرایش کرد و پیش از آن افزود:  
این حدیثم چه خوش آمد که سحر که می گفت  
بر در میکده با دف و نی ترسایمی

ستایش می کنم پورسینا (ابن سینا) را که بر بیشتر دانش های روز جهان دست یافت و استاد بزرگ شد. در دانش پزشکی چیره گشت و سر آمد گردید تا آنجا که دانش پزشکی و «کتاب قانون» او هنوز در همه جهان آموزش داده می شود. او بود که نخستین بار با بهره گیری از «نبض انسان» به درونش پی برد و بر این پایه پس از سده ها دستگاه «دروغ سنج» اختراع شد.

ستایش می‌کنم زرتشت بزرگ را که بی‌انگیزه پیامبری با آموزش گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک، بیش از هزاران کتاب و نوشته، انسان را به رستگاری رهنمون شد.

ستایش می‌کنم دیگر پیشتازان و آموزگاران اندیشه‌راستین را، چون کنفوسیوس که گفت :  
«اگر برنامه ات برای یکسال است برنج بکار، اگر برای ده سال است درخت بکار و اگر برای

## ۱۰۰ سال است کودکان را آموزش ده.»

همچنین انسان را رهنمون شد که از سه راه خرد آموخته می‌شود:

از راه اندیشه که درست‌ترین راه است، از راه تقلید که آسان‌ترین است و از راه تجربه که تلخ‌ترین است.

درود می‌فرستم به همه آموزگاران، دبیران، فرهنگیان و دانشگاهیان که بزرگ‌ترین خدمت را به انسانها کرده و می‌کنند.

درود می‌فرستم به تمام پزشکان و پرستاران، با نام یا بی‌نام، که در راه نجات بیماران جان خود را از دست داده و می‌دهند.

درود می‌فرستم به تمام انسان‌ها و جوان‌هایی که در آزمایشگاه‌ها با همه وجود پژوهشهای «علمی» خود را سامان میدهند و بی‌هیچ ایستائی پیگیری میکنند تا بتوانند داروها و واکسن‌هایی بسازند که از نیستی میلیون‌ها انسان جلوگیری کنند.

درود می‌فرستم به میلیون‌ها زن و مرد دلیر جان‌باخته و پاک‌ترین و والا‌ترین فرزندان ایران که با فدا کردن گرامی‌ترین هستی خود، یعنی جانشان، توانستند، در درازای هزاره‌های تاریخ، ایران و فرهنگش را نگهبانی کنند.

درود می‌فرستم به همه دلیران ایران زمین، نظامیان شرافتمند ایرانی و پاک‌ترین و والا‌ترین فرزندان ایران که در شورش ۵۷ به پاداش ایران دوستی و پایبندی به سوگند خود به قانون اساسی به دست رژیم جمهوری اسلامی کشته شدند.

درود میفرستم به روان همه میهن پرستان که در این رژیم اشغالگر و دزد جمهوری اسلامی و در دوره حکومت این جلادان و خون آشامان آشکارا یا پنهانی در بازداشتگاه ها زیر شکنجه جان باختند یا به جوخه های مرگ سپرده شدند.

درود میفرستم به جوانان و دلیران ایران زمین که در پیکار با اهریمن جمهوری «اراذل و اوباش» با دادن هزاران گشته از پای ننشسته اند و پیروز خواهند شد.

درود بی پایانم به کوروش بزرگ بنیان گذار فرهنگ شاهنشاهی ایران زمین که منشوریگانه اش بن مایه قانون اساسی آمریکا شد و، همچنانکه پیوسته در درازای هزاره ها در فرهنگ ایرانی نهفته است، برده داری را در همه سرزمین پهناور خود که برده داری میکردند، برچید.

درود میفرستم به رضاشاه بزرگ بنیانگذار ایران نوین که در دوره کوتاه ۱۶ ساله پادشاهی خود، ایران را بیش از نیم سده به پیش برد، سکولاریسم را بنیان نهاد، نوآوری را پایه گذاری کرد و ناسیونالیسم راستین ایرانی را به همه ایرانیان آموخت، اندیشه های والایی که آرزوی انقلاب مشروطیت بود.

درود میفرستم به روانشاد شاهنشاه بزرگ که جان خود را در راه سربلندی ایران زمین و ایرانیان از دست داد. با انقلاب سفید و بی خونریزی بزرگترین دگرگونی اقتصادی و اجتماعی را با برچیدن فئودالیسم و دادن آزادی و حق رای به زنان، پشتیبانی از دارندگان اندیشه های درخشان و تابناک و آموزگاران و پرورش دهندگان فرزندان ستایش انگیز ایرانی، پدید آورد. هر روز که از درگذشت این بزرگمرد تاریخ میگذرد بر شکوه ایران دوستی وی افزوده تر و خدمات و ارزش دست آوردهای دوران طلایی رهبریش آشکار تر و پررنگتر میشود و مردم، با «حسرت» و فریاد از دل برخاسته خود، بیشتر آرزومند آن دوران و دوران رضا شاهی میشوند.

باشد که پس از پیروزی نور بر تاریکی و نابودی «رژیم دزد و تبهکار»، آرامگاه پادشاه «خدا بیامرزش» و رضا شاه بزرگ در ایران بازدید گاه ایران پرستان و میهن دوستان و نسلهای آینده گردد.

## اسداله نصر اصفهانی

سان ماتئو - کالیفرنیا

مهر ۲۵۸۰ شاهنشاهی

برابر ۱۴۰۰ خورشیدی

و سپتامبر ۲۰۲۱ ترسای

۱ کانت، ولتر، دیوید هیوم، توماس، جان لاک، پیر بل، رابرت هوک، روسو، دیدرو، فرانسیس بیکن، مونتسکیو، اگونیاس، بارخ اسپنوزا و دهها روشنگرو فیلسوف دیگر

۲ چون اگر به این پرسش مردم که عیسی چگونه از مریم بدون نطفهٔ مرد زاده شده پاسخ راستین (که او فرزند یوسف نجار است) داده میشد تمام مسیحیت بباد میرفت، روح القدس را اختراع کردند و، برای محکم کاری و تحمیق مردم، سه گانه باوری یا چند خدایی را، به زور و پول کلیسا و سوزاندن مخالفین، به مردم تحمیل کردند با آنکه چند خدایی در مکتب یکتا پرستی کفر است. در آیهٔ ۳۵ سورهٔ مریم آمده است که فرزند گزیدن برای خدای رحمان سزاوار نیست.

تثلیث واژه تازی است به معنای سه بخش کردن. مثلث تثلیث بیانگر فرمول تثلیث در مسیحیت، یعنی پدر، پسر و روح القدس است. سه گانه پروری یا Trinity یکی از باورهای بنیادی بخش بزرگ مسیحیت است که بر اساس آن خدای یگانه سه شخص، خدای پدر، خدای پسر (که در عیسی مسیح تجسم پیدا کرد) و خدای روح القدس می باشد.

۳ معراج داستان عروج (بالا رفتن) محمد از مسجد الاقصی به آسمانها است. میگویند پیامبر در شبی از مکه به مسجد الاقصی (دورترین مسجد) با براق، آستر بالدار، انتقال یافت و از آنجا به آسمان عروج کرد. او در شب معراج، با برخی از ملائکه دیدار و گفتگو نمود و اهل بهشت و اهل جهنم را مشاهده و با برخی از پیامبران نیز دیدار کرد و گفتگویی هم میان او و خدا صورت گرفت که به حدیث معراج شهرت یافته است.

در سال ۵۷ در دیداری از اورشلیم (بیت المقدس) از دیوار ندبه و مسجد الاقصی که نزدیک هم هستند دیدن کردم. در درون مسجد صخرهٔ بزرگی وجود دارد که میگویند عروج از روی این سنگ انجام گرفته. برای تحمیق مردم جای پای را روی صخره نشان میدهند که جای پای محمد است و مردمی که دوست دارند تحمیق شوند آنرا میپذیرند. در حالیکه حفرهٔ جای پا بیش از ۳ برابر جای پای یک انسان معمولی است.